



گیبی با محمدرضا مالکی به بهانه اجرای نمایشش؛

بفرمایید «شکلات فرنگی»!

در نمایش «شکلات فرنگی»، پدر و مادرها هم به اندازه کودکانشان درگیر نمایش می‌شوند چون قصه کاملاً ایرانی است و از فاکتورهای ایرانی در آن استفاده شده است. آنها تمام این فاکتورها را در زندگی واقعی خود لمس کرده‌اند و به همین دلیل هم ارتباط بهتری با نمایش برقرار می‌کنند.

چیزی که خیلی در نمایش شما به چشم آمد استفاده اخلاقانه از ابزار، داخل صحنه بود مثل دوچرخه‌ای که چندین کاربرد متفاوت از آن گرفته شد. کمی درباره عنصر خلاقیت و تاثیرگذاری آن بر مخاطب و به تبع آن بر جامعه صحبت کنیم.

بحث جان‌بخشی به اشیاء قرار دادی است که با تماشای برقرار می‌کنیم. دوست دارم صحنه نمایش من مینی مال باشد؛ اینطور بگویم که صحنه شلوغ را نمی‌پسندم چون واقعیت اینست که تخیل تماشاچی بهتر و بیشتر از تخیل من است و آنچه را که خود بخواد در صحنه می‌بیند مثلاً ممکن است من یک درخت در صحنه قرار دهم به عنوان المانی از یک جنگل و تماشاچی در ذهن خود آن درخت را شبیه جنگل سی‌سنگان ببیند. من فقط یک نماد در اختیار تماشاچی قرار می‌دهم و او آن نماد را در ذهنش بسط می‌دهد و می‌پذیرد. مثل وقتی که کتابی را می‌خوانی و بعد که فیلمی از آن ساخته می‌شود دیدن آن فیلم به اندازه خواندن آن کتاب به تو لذت نمی‌دهد چون اتفاقات داخل کتاب را از زاویه نگاه خودت و با تصورات خودت شاهد هستی ولی اتفاقات داخل فیلم را از زاویه نگاه کارگردان و دقیقاً با تصورات او تماشا می‌کنی.

نمایش شما بلیت خیلی ارزانی دارد. ۲۰ هزار تومان نسبت به شرایط روز و قیمت‌های معمول خیلی مبلغ کمی است.

محمدرضا مالکی بازیگر و کارگردان که این روزها نمایشی را به نام «شکلات فرنگی» به نویسندگی کاظم پورمهدی و نقش آفرینی سعیدابک، مریم آشوری، محمدعلی حسینعلی پور و سارینازاق، برای کودکان و نوجوانان در «کانون پرورش فکری» روی صحنه برده است، درباره چگونگی شکل‌گیری ایده این نمایش و همینطور دلخوری‌هایش از شرایط نامناسب سالن و قیمت بسیار پایین بلیت با ما به گفتگو نشست. نمایش «شکلات فرنگی» که تا اکنون با استقبال خوبی هم روبرو بوده است از تاریخ ۲۵ فروردین ۱۴۰۱ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به اجرا درآمده و تا اواسط تیرماه ۱۴۰۱ روی صحنه خواهد بود و بلیت آن در سایت تیوال به فروش می‌رسد.

نمایش «شکلات فرنگی» چطور شکل گرفت؟

از ایده‌های یک خطی شروع شد. راستش را بخواهید من هیچ وقت سراغ نمایشنامه‌هایی که از قبل چاپ شده‌اند نرفته‌ام چون دغدغه من نیست. معمولاً ایده و دغدغه‌هایم را با نویسنده در میان می‌گذارم تا متنی داشته باشم که دوست دارم به آن بپردازم. سال ۱۳۹۶ که نمایش «سفر شادی» را در تالار هنر به صحنه بردم ایده‌های درباره یک مسابقه کیک‌پزی به ذهنم رسید که آن را پرورش دادم و با کاظم پورمهدی مطرح کردم و با هم قصه را جلو بردیم. به نظر من یکی از لذت‌های کار تئاتر همین گروهی بودن آن است زیرا تئاتر یک کار جمعی است و همه در آن مشارکت دارند. باید بگویم ایده من ابتدا با همراهی کاظم پورمهدی پور و سپس با همراهی بازیگران کار، شکل گرفت. در ابتدای خواستم این قصه هیچ جغرافیایی نداشته باشد، اما بعد در تمرین‌ها احساس کردم باید هویت ایرانی بگیرد بنابراین از اسامی شروع کردیم و بعد کم‌کم به روابط بین شخصیت‌ها رسیدیم مثلاً قبلاً پستی در این نمایش هیچ نسبتی با خانواده قصه ما نداشت اما تغییری ایجاد کردیم و در نتیجه آن تغییر، نسبت خانوادگی میانشان ایجاد شد. دوست دارم که نمایش من شامل خانواده شود نه صرفاً کودکان.

کانون پرورش فکری یک نهاد دولتی است و قیمت بلیت را هم خودش تعیین می‌کند. البته در قراردادی که با ما دارد کمک هزینه‌ای را پرداخت خواهد کرد که تا الان نیمی از آن پرداخت شده و من تاریخ آخرش را صرف صحنه همین نمایش کردم. راستش را بخواهید به طور شفاهی به ما قول دادند قیمت را کمی بالاتر ببرند اما هنوز اتفاقی نیفتاده است. بیرون همین پارک لاله، بلال می‌فروشد به قیمت ۳۰ هزار تومان آنگاه عوامل کار من در این گرما با تهویه نامناسب سالن و در نقش پر تحرکشان یک ساعت تمام زحمت می‌کنند و عرق می‌ریزند و برای همین یک ساعت، قبلاً زمان زیادی هم تمرین کرده‌اند، بلیت کارشان از یک بلال هم ارزان‌تر است. این را هم بگویم که ما در این باره مطالبه داشته‌ایم اما صدایمان به جایی نمی‌رسد. به هر حال من و عوامل کارم در اینجا مدتی مهمانیم و پس از پایان اجرا خواهیم رفت و در نهایت این کانون است که به افرادی مثل ما برای حفظ رونق خود احتیاج خواهد داشت.

چرا انقدر تعداد کار کودک با کیفیت کم است؟ حتی بودجه و تبلیغات خوبی هم برایش نیست. انگار زیاد هم جدی گرفته نمی‌شود.

نمایش کودک بانی ندارد و کسانی که داخل سیستم تشریف می‌آورند متخصص نیستند. این معضل فقط هم متوجه تئاتر کودک نیست بلکه در بیشتر حوزه‌های مربوط به تئاتر با آن مواجهیم، مثلاً چه کسی رادیه‌اید که در دانشگاه درس تهیه‌کنندگی خوانده باشد یا مثلاً مدیر تولیدی؟ از طرفی هر کسی فکر می‌کند می‌تواند کار کودک انجام دهد به طور مثال معمولاً وقتی کسی می‌خواهد فیلمساز شود به او می‌گویند از فیلم کوتاه شروع کن! تو گویی، ساخت فیلم کوتاه کار آسان و پیش پا افتاده‌ایست و مبتدی‌ها از پیش برمی‌آیند. همین را بسط دهید به موضوع کار کودک. باور کنید کار کودک دست‌گرمی نیست که افراد بیایند و تمرین‌هایشان را در این حیطه انجام دهند. کار کودک مهم و سخت است. اخبار گزاری صبا

نمایش
تماشای آنلاین فیلم و سریال
namava.ir

کارگردان: ایرج طهماسب